

به نام خدا

تحولات نهاد خانواده

(اعظم روح افزا)

خانواده اولین و مهمترین واحد اجتماعی است که از افرادی که بطور نسبی یا سببی در کنار هم زندگی می کنند، تشکیل می گردد. این اعضا و افراد معمولاً هدف مشترکی مانند: تهیه غذا، مسکن، رفع نیاز جنسی و فرزند پروری و... را دنبال می کنند. نهاد خانواده در زمان های متفاوت و در جوامع گوناگون، اشکال و کارکردهای متفاوتی داشته و در طی قرون، همواره در حال تغییر و تحول بوده است. اما آنچه که برای تمامی صاحبان اندیشه مهم بوده، تأثیر شگرف و ارتباط تنگاتنگ فرهنگ و نگرش خانواده بر سایر نهادها و مؤلفه های بشری است. به گونه ای که زندگی خانوادگی را "کلید فهم جامعه انسانی" می دانند. به عبارت دیگر خانواده نهادی بنیادین و اساسی است که سایر نهادهای اجتماعی را تحت تأثیر خود قرار داده و تغییرات آن، تحولات سایر واحدهای دیگر را در پی دارد.¹

البته قابل ذکر است که واحدهای مختلف اجتماعی، شبکه ای به هم تنیده را تشکیل می دهند که تغییر و تحول هر کدام، لزوماً تغییرات واحدهای دیگر را نیز دنبال خواهد داشت. به عبارتی تغییرات فرهنگ و نگرش افراد خانواده، تغییرات فرهنگ و نگرش کل جامعه را در پی دارد.

ادیان الهی از جمله دین مقدس اسلام، خانواده را یکی از مقدس ترین و مهمترین نهادها دانسته که از اهمیت و ارزش خاصی برخوردار است. در کتاب آسمانی اسلام (قرآن) و در احادیث ائمه اطهار قوانین و سفارشات فراوانی در مورد خانواده و تنظیم مناسبات بین همسران و فرزندان به چشم می خورد.

انواع خانواده

هر خانواده از نظر توسعه یافتگی و چگونگی روابط اعضا خانواده مشخصات خاص خود را دارد. لذا میتوان خانواده را به اقسامی مانند: اقتدارگرا یا دموکراتیک، توسعه یافته یا عقب مانده، سنتی یا مدرن، پدرسالار یا مادرسالار، تک همسری یا چند همسری و... تقسیم نمود.

خانواده از لحاظ اندازه و فرم ظاهری نیز به دو صورت وجود داشته است:

۱- خانواده هسته ای

¹ (علی زمانیان، تحولات بنیادین نهاد خانواده)

یعنی از یک زن و شوهر به تنهایی و یا به همراه فرزندان تشکیل شود. این نوع خانواده را خانواده زن و شوهری نیز می نامند. شکل غالب خانواده های امروزی از این نوع می باشد. در این نوع خانواده ها زن و شوهر به دور از خانواده های خود و در مکان جدید زندگی کرده و نقش زن و مرد در آن کاملاً مشخص است.

۲- خانواده گسترده

در این نوع از خانواده ها گروهی از زن و شوهرها همراه با چند نسل قبل و بعد خود به همراه فرزندان، والدین، خواهر و برادرهای خود زندگی می کنند. به این معنا که خانواده فراتر از زن و شوهر و فرزندان، پدر بزرگ و مادر بزرگ و حتی گاهی اوقات عمو و عمه و خاله... رانیز شامل می شود. این نوع خانواده ها بیشتر در روستاها و عشایر به چشم می خورد. البته امروزه به جز در بعضی از کشورها و روستاها، در اغلب جوامع اینگونه خانواده ها وجود ندارند.

آنچه که در مطالعات جامعه شناسانه از اهمیت خاصی برخوردار است مجموعه کارکردها و چگونگی روابط متقابل اعضای خانواده بایکدیگر و با نظام بزرگتر اجتماعی است. کاهش نرخ موالید، بالا رفتن سن ازدواج، تقسیم کار در درون خانه، میزان رشد طلاق، میزان درآمد خانواده، نوع گذران اوقات فراغت و... از جمله مسائلی است که باید بررسی و تحولات و تغییرات آن را در طی زمان در نظر گرفت.

از لحاظ ساختاری می توان خانواده را به دو قسم سنتی و مدرن تقسیم نمود. در این دو قسم نقش های اعضای خانواده، کارکرد اقتصادی، تعداد فرزندان و مؤلفه های دیگر بسیار متفاوت می باشد.

قابل ذکر است که مفهوم تغییر و تحول تفاوت محتوایی دارند. تغییر معمولاً به تحول و دگرگونی در برخی از عناصر یک نهاد یا سازمان گفته می شود. اما در تحول، مجموعه ای از تغییرات به چشم می خورد که در طول دوره ای طولانی در یک مجموعه یا جامعه صورت میگیرد. بنابراین تغییرات اجتماعی را میتوان در یک دوره کوتاه مشاهده نمود. ولی تحولات اجتماعی را در دوره های طولانی و بین نسلی می توان مشاهده کرد.

آنچه که مسلم است نهاد خانواده در طی قرون تحولات زیادی کرده است که وظایف و کارکردهای اعضای خانواده های هسته ای و مدرن را بسیار متفاوت از اعضای خانواده های سنتی و گسترده کرده است. امروزه ازدواج ها بر مبنای توافق زن و شوهر گشته، تعداد فرزندان کاهش یافته، نوعی تنهایی در زوج های جوان ظاهر شده، استقلال فردی بین اعضای خانواده گسترش پیدا کرده، قسمت اعظم تعلیم و تربیت به نهادهای رسمی واگذار شده، نقش سنتی زن و مرد درون خانواده تغییر یافته، افزایش طلاق، افزایش سطح تحصیلات، تغییر ارزش های درون خانواده، افزایش بهداشت، کاهش شدید چند همسری، تنزل روابط بین خویشاوندی، کاهش فعالیت مراقبتی از خردسالان و سالمندان، و... از مشخصه های خانواده معاصر است.

تحولات نهاد خانواده در ایران

نهاد خانواده در ایران نیز از این تغییر و تحولات جهانی، مستثنی نبوده و مخصوصاً در سده اخیر تحول جدی را شاهد بوده است. اما تفاوتی که در این تحولات مشاهده میگردد اینست که جوامع اروپایی این تحولات را آرام و در طی قرون پشت سر گذاشته ولی در جامعه ایران این تحولات در طی صد سال و نسبتاً سریع صورت گرفته است.

تغییرات خانواده در ایران هم در مسائل قابل مشاهده و ظاهری بوده و هم در مسائل پنهانی مانند: ارزش ها، تفکرات، هنجارها، سبک زندگی و... البته هر نوع تغییر و تحولی در نوع خود یک سری آشفتگی و عدم تعادل را به دنبال دارد. ولی این عدم تعادل در طول زمان، به تعادل و آرامش مبدل خواهد شد. تغییرات نوع اول در پی ورود تکنولوژی و ابزار مدرن به وقوع پیوست که به آن تغییرات ابزاری می گویند. اما تغییر نوع دوم را تغییر معرفتی و اندیشه ای می نامند. جوامع ایرانی در مورد تغییرات ابزاری مقاومتی نشان نداده و آن را به راحتی پذیرفته ولی در برابر تغییرات معرفتی با بعضی از مقاومت ها روبرو شده اند.

در این راستا به تعدادی از تغییراتی که در خانواده های ایرانی صورت پذیرفته اشاره ای فهرست وار می کنیم.

تغییر در آموزش و سطح تحصیلات (نرخ سواد و آموزش در اعضاء خانواده و بخصوص زنان بسیار افزایش یافته است. این تغییر، اثرات عمیقی در فرهنگ، ساختار سیاسی، مطالبات و رفتارها داشته است)

تغییر در آمار ازدواج و طلاق (از دواج از لحاظ کمی و کیفی متغیر شده است. تغییر در شیوه های همسرگزینی، تحرک جغرافیایی از دواج، انتظارات از همسر، سن ازدواج، معاشرت قبل از ازدواج، افزایش سن ازدواج، افزایش آمار طلاق، عدم اطاعت محض زنان از مردان سلطه طلب، کاهش تعداد موالید و...)

کاهش قدرت مرد در نظام تصمیم گیری خانواده (گذر از خانواده مردسالار و روی آوری به خانواده دموکراتیک یکی از تغییرات معرفتی در خانواده های ایرانی است.)

تغییر در روش تربیت فرزندان (تغییر در نظام تصمیم گیری و سطح تحصیلات والدین خودبخود نوعی تغییر در روش تربیت فرزندان داشته است. پیشرفت تکنولوژی در وسایل ارتباط جمعی، استفاده از ماهواره و تلفن های همراه، حضور مستمر در مهد کودک ها و مدارس در زمانهای طولانی، ... تعلیم و تربیت را از درون خانواده، فراتر برده و کودکان را با فضایی فراتر از فرهنگ خانواده آشنا ساخته است.)

تغییر بعد اقتصادی و درآمدی خانواده (در جامعه روستایی زنان نقش بسیار ارزنده ای در اقتصاد خانواده داشتند. اما در جوامع شهری زنان نقش درآمدی کمتری را ایفا می کردند. اما در چنددهه اخیر و با تغییر نگرش زنان در بعد تحصیلات و حرفه آموزی، زنان زیادی وارد بازار کار شده و الگوی قبلی خانواده که مرد به تنهایی درآمدزایی داشته و زن مصرف کننده بود را دگرگون کرده است.)

تغییر در قوانین مربوط به خانواده و حقوق زنان (ورود زنان به خارج از منزل جهت تحصیل، کار و فعالیت های اجتماعی، مطالبات گوناگونی را از جانب زنان مطرح کرده که قانونگذاران را به طرح و تصویب قوانینی در مورد حمایت از زنان داشته است که البته جای بحث و ترقی داشته و یک عزم بالا در اصلاح قوانین را طلب می کند.)

تغییر در الگوی روابط خویشاوندی و تنهایی خانواده ها (رفت و آمدهای خویشاوندی بسیار محدود شده و اعضاء خانواده ها اغلب از تنهایی رنج می برند.)

تغییر در سبک و شیوه زندگی و گذران اوقات فراغت (اوقات فراغت تنها به معنای بیکاری و تفریح نیست بلکه زمانی مناسب برای شکوفایی و بروز استعدادها معنا میشود. علایق و آرزوهای افراد در این دوره از زندگی و شیوه گذران آن به دور از مشغله و گرفتاری های روزمره، امکان رشد پیدا کرده و محل پرورش توانایی های فردی میگردد. ولی تغییرات در جنبه های متفاوت خانواده باعث شده که اوقات فراغت در خانواده تقریباً فردی و خصوصی شده و اعضاء خانواده از هم دور و جدا شده اند. حتی اوقات غذا خوردن که یکی از مهم ترین قلمروهای عملکردی خانوادگی در جهت تحکیم معنای خانواده بوده کاهش پیدا کرده و به حداکثر یکبار در روز رسیده است.)

تغییر در الگوی مصرف، افراط و تفریط در دخالت در امور سیاسی، کم شدن فاصله زن و مرد و تقسیم کار در خانه و ... از جمله تغییرات دیگر در خانواده های ایرانی است.

همانطور که قبلاً نیز اشاره شد که تغییر تحولی، در کنار مزایا، یکسری معایب و چالش هایی را در پی خواهد داشت. تغییراتی که در الگوی زندگی خانواده های ایرانی اتفاق افتاده به دور از این چالش ها نبوده که به تعدادی از آن مختصراً اشاره می شود.

- افزایش طلاق: عوامل متعددی برای پدیده نگران کننده طلاق می توان نامبرد که عبارتند از: عدم تفاهم، اعتیاد، نازایی، دخالت خانواده ها، بیکاری و لااباگری شوهر، اختلافات فرهنگی، اختلاف سنی زیاد، ازدواج مجدد شوهر و ...

- فشار سنگین بر خانواده ها به علت کثرت کاری نهادهای اجتماعی: کثرت کاری نهاد آموزش و پرورش در تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان، عدم امنیت کافی در جامعه بعلت نامناسب بودن تدابیر نیروهای انتظامی، نامناسب و ناکافی بودن وسایل حمل و نقل عمومی، افزایش اعتیاد و آسیب های اجتماعی، رواج گسترده فساد و فحشا، بیکاری و رهایی و بی هدف بودن جوانان در سطح جامعه.

- فقدان عزم جدی و هماهنگی در تدوین برنامه عمل خانواده سالم و پیگیری مشکلات و موانع پیش روی آن

- شکاف نسل ها

- عدم امنیت و ثبات اقتصادی و مالی

نتیجه گیری

خانواده به عنوان اولین نهاد اجتماعی در تمامی ادیان و فرهنگ ها از اهمیت و ارزش خاصی برخوردار است. خانواده به عنوان مهد تولید و پرورش نسل ها و انتقال ارزش های اخلاقی و سنت های گرانبهای بشری و وظیفه ای بسیار حساس را بردوش دارد. از طرف دیگر با پیشرفت تکنولوژی و تغییرات زیربنایی در تفکر فردی و جمعی بشر، تغییرات بزرگی در جنبه های مختلف هستی ایجاد شده که خانواده و روابط درونی آن هم جدای از این تغییرات نمانده است. اثرات مثبت و منفی این تحولات را در همه گستره کشور و قومیت ها شاهد هستیم.

بر صاحبان اندیشه و سیاستگذاران هر جامعه واجب است که با در نظر گرفتن این تحولات جهانی، آشننگی های گذار این دوران را مدیریت کرده و کوتاه نموده و مزایای این تحولات را بیشتر و آسیب های آن را به حداقل برسانند. این یادداشت را با سخنی از رئیس جمهور محترم پایان می بریم: "اگر پیشرفت و تعالی می خواهیم این موضوع از خانه و خانواده شروع می شود. درست است که خانواده اساس و بنیان اصلی برای اجتماع و جامعه است و اصلاح از درون خانه ها باید آغاز شود، اما اگر صرفاً به نیمی از جمعیت کشور (فقط مردان) توجه کنیم در آن کشور شاهد رشد و توسعه واقعی نخواهیم بود".